هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۰ | چهارشنبه ۱۹ اسد ۱۳۸۴ | ۵ رجب المرجب ۱۴۲۶ - 10 August 2005

شصتمین سالروز بمباران های اتومی در ژاپن
ص۳

اقدامات کمیسیون انتخابات و نگرانی های مردم
ص۵

رفتن خاتمی، پایان اصلاحات در ایران است؟
ص۶

انتخابات پارلمانی ودیدگاه های شهروندان کابل

درست ۳۸ روز به انتخابات پارلمانی افغانستان باقی مانده است. مردم انتظار دارند تا نمایندگان واقعی شان بتوانند به اساس رأی خود شان وارد پارلمان شوند وبه این ترتیب خود را به گونه یی در دولت سهیم احساس کنند و خواسته های شان را از طریق نماینده های شان مطرح سازند.

گرچه زمان زیادی به برگزاری انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی نمانده است اما شهروندان ما هنوز از دانستنی های مربوط به انتخابات اطلاعی ندارند ودر عالمی از دلهره به سر می برند.

چگونگی برگزاری انتخابات، تعدد بیش از حد نامزد ها، عدم آگاهی عامه در مورد انتخابات و . . . از جمله مواردی است که اذهان مردم را به خود مشغول ساخته است. گزارشگر مجاهد در این مورد نظرشهروندان کابل را جویا شده است که به ملاحظه می رسد.

محمد عارف باهنر، دانشجوی سال چهارم دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کابل می گوید:

به صورت کل می توان گفت که در همه عرصه های انتخابات مشکلات فراوانی وجود دارد که نبود یک برنامهٔ آگاهی دهنده در صدر این مشکلات قرار دارد.

مسؤولان دولتی و دست اندر کاران انتخابات در این مورد توجه نکرده اند و به نظر من بیشتر ازنود درصد مردم کابل از روند انتخابات آگاهی ندارند چه رسد به اطراف و مناطق دوردست افغانستان.

مسألهٔ قابل ملاحظهٔ دیگر این است که در انتخاب افراد به حیث کاندیدا، دقت صورت نگرفته و طوری که دیده می شود، عده یی زیاد از این کاندیدا ها به اساس پول وقدرت شان نامزد شده اند، نه از روی شایستگی.

نباید فراموش کرد که در میان نامزد ها، افراد شایسته یی هم وجود دارند که متأسفانه تعداد آنها در اقلیت قرار دارد.

آقای باهنر اشاره کرد: در انتخابات ریاست جمهوری که ۱۸ تن ص۵


محمد عارف باهنر


محرم علی محمدی


عبدالمنیر


حاجی احمد نور


سید پادشاه


توریالی خان

مسؤولان دفتر مشترک تنظیم انتخابات:

انتخابات پارلمانی در وقت معین برگزار خواهد شد

معاون دفتر مشترک تنظیم انتخابات گفت با وجود این که تا کنون پول مورد نیاز برای برگزاری انتخابات پارلمانی در اختیار آنان قرار نگرفته است، اما آنها امیدوارند که انتخابات پارلمانی در وقت معین (۲۷ سنبله) برگزار گردد. او اطمینان داد کشورهایی که قبل بر این تعهد کمک برای برگزاری انتخابات را کرده اند بر تعهدات شان عمل خواهند کرد.

این در حالی است که هفتهٔ پیش دفتر هیأت نمایندگی سازمان ملل در کابل اعلام کرد که اگر کشورهای کمک کننده بر تعهدات شان مبنی بر تأمین هزینهٔ انتخابات عمل نکنند، ممکن است برگزاری انتخابات به تأخیر افتد.

به گفتهٔ مسؤولان یوناما، دفتر مشترک تنظیم انتخابات برای انجام برخی از کارهای مقدماتی مانند آگاهی عامه، ایجاد مراکز رأی دهی و آموزش هزاران کارمند انتخابات حد اقل به ۳۱ میلیون دلار دیگر نیاز دارد که تا کنون در اختیار آن قرار نگرفته است.

هزینهٔ مجموعی انتخابات پارلمانی ۱۵۰ میلیون دلار پیش بینی شده که بخش زیاد آن از مازاد بودجهٔ انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته تأمین شده است.

حرف هایی دربارهٔ کمپاین انتخاباتی
ص۲

سرود ملی بار دوم به نظر خواهی گذاشته شد

شورای تصمیم گیری سرود ملی برای بار دوم سرود ملی کشور را انتخاب و جهت تصویب نهایی به ریاست جمهوری ارائه کرده است.

چند ماه پیش این کمیسیون پس از مباحثاتی زیاد سرود ملی را انتخاب کرد و از سوی مقام ریاست جمهوری نیز مورد تأیید قرار گرفت و آن تلفیقی بود از بندهایی از سرود ملی داوود خان و افزوده هایی از آقای حبیب الله رفیع اما بنا بر اعتراض تعدادی از شخصیت های علمی و فرهنگی کشور رد شد و کمیسیونی دیگر موظف گردید تا پیش نویسی دیگر از سرود ملی را آماده سازد. اکنون این پیش نویس پس از ماه ها تلاش آماده شده و به نظر خواهی گذاشته شده است و متن آن این است. ص۲

محمد صدیق چکری در گفتگو با مجاهد:

یکی از مطالب قابل بحث در پارلمان تداوم نیروهای خارجی خواهد بود



□ نظر شما دربارهٔ انتخابات پارلمانی چیست؟

■ برخی مردم در ارتباط به انتخابات آشنایی چندانی ندارند و این امر سبب کمی ها و کاستی ها در بعضی حوزه های انتخاباتی خواهد شد، بازهم انتخابات پارلمانی به خاطر ایجاد قوای مقننهٔ کشور یک امر ضروری ولازمی است و امیدوارم هموطنان عزیز ما با شور و شوق فراوان در تعیین نماینده های منتخب خویش در انتخابات سهیم گردند.

□ آیا برخی از مشاجره های بیرون از پارلمان در سطح کشور به پارلمان وارد خواهد شد؟

■ بلی برخی از مشاجرات بیرون از پارلمان به سطح کشور به پارلمان وارد خواهد شد؛ زیرا مسائل زیادی فعلاً در سطح کشور لاینحل باقی مانده وهمه می خواهند همچو مطالب را به پارلمان منتقل سازند به طور مثال یکی از مطالب عمده و قابل بحث در پارلمان تداوم حضور نیروهای خارجی در کشور خواهد بود. ص۶

تنی پس از پانزده سال در کابل

شاهنواز تنی وزیر دفاع رژیم کمونیستی دکتر نجیب الله پس از پانزده سال اقامت در پاکستان به تازگی ها به کابل بازگشته است.

او در ماه حوت سال ۱۳۶۸ به همکاری حکمتیار دست به یک کودتای نظامی برضد دکتر نجیب الله رئیس رژیم کمونیستی وقت زد و پس از شکست به پاکستان پناهنده شد و از آن به بعد در این کشور زندگی می کرد و به فعالیت می پرداخته است.

دیشب تلویزیون طلوع با وی دربارهٔ اختلافات او با دکتر نجیب و عوامل دست زدنش به کودتا برضد وی، پناه بردنش به پاکستان و نحوهٔ زندگی او در این کشور و مسائلی دیگر گفتگویی انجام داد. گفتگو کننده با وی آقای فرمان یکی از نزدیکان دکتر نجیب الله بود. ما فشردهٔ سخنان آقای تنی را در این گفتگو به دلیل اهمیتش می آوریم و تعلیق و تبصره بر آن را به آگاهان مسائل می گذاریم. ص ۷


تنی (از راست به چپ نفر دوم) با جمعی از رفقایش پس از شکست کودتای نظامی او در یک کنفرانس خبری

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website: www.mujahid1357.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

حرف هایی دربارهٔ کمپاین انتخاباتی

محمد نسیم فقیری

هفت روز به آغاز رسمی فعالیت تبلیغات انتخاباتی نامزدهای نمایندگی ولسی جرگه و شوراهای ولایتی، باقی مانده است. این فعالیت یا کمپاین ـ طبق قانون ـ یک ماه را در بر می گیرد و این یک فرصت مناسب و نسبتاً طولانی است که در اختیار کاندیداها قرار می گیرد تا به صورت فشرده و منظم به فعالیت هایی از قبل آغاز شده، شدت و سرعت ببخشند.

بدون شک انتخابات پارلمانی برای اکثر مردم و به خصوص نسل جوان ما یک تجربهٔ جدید است و با در نظر داشت گذشته ها یک چالش جدی! .

کمپاین انتخاباتی شامل ابعاد گسترده یی است که به چند مورد آن اشاره می شود:

۱- مشکل عمده و اساسی در این انتخابات ـ با در نظر داشت سیستم پیچیده و غیر دموکراتیک SNTV ـ مدیریت توزیع آرا به خصوص برای احزاب سیاسی است. فرض نمایید که حزب (الف) در یک حوزه (ولایت) که جمعاً پنجصد هزار رأی دارد، سه صد هزار رأی را برای یک تن از کاندیداهای خویش به دست می آورد ولی حزب (ب) فقط با به دست آوردن دوصد هزار رأی، پنج نفر از کاندیداهای خویش را یعنی هر کدام چهل هزار رأی، به ولسی جرگه می فرستد! بدین صورت حزب اولی با کسب اکثریت سه صد هزار رأی فقط یک نماینده و جزب دوم (اقلیت) پنج نماینده از حوزه در ولسی جرگه خواهد داشت!

به همین صورت می توان شوراهای ولایتی را نیز قیاس نمود.

پس آنچه که برای احزاب سیاسی و به خصوص تشکل های جهادی حایز اهمیت است، مدیریت توزیع آرا در هر حوزه و استفادهٔ اعظمی از فرصت قانونی کمپاین در سطح مراکز و ولسوالی های ولایات است. تا این احزاب بتوانند با مدیریت درست و دقیق و تقسیم بندی ولسوالی ها، قرا و محلات، نمایندگان بیشتری را به ولسی جرگه و شوراهای ولایتی بفرستند و در نتیجه آرای مردم هدر و ضایع نگردد. بدین معنی که یک کاندیدا صد هزار رأی بیاورد، در حالی که برای پیروزی او فقط بیست هزار کافی باشد و هشتاد هزار رأی اضافی او جز افتخار رأی زیاد و یا نمایندهٔ اول فلان ولایت، سودی نخواهد داشت ولی در صورت مدیریت درست و سالم با همان آرا می توان پنج نماینده را به شورا فرستاد!

۲- موضوع مهم دیگر، داشتن معلومات کافی در مورد کار و صلاحیت یک نماینده، و درک و فهم درست از نمایندگی است. یعنی یک نماینده باید به خوبی بداند که در صورت انتخاب شدن به حیث نمایندهٔ ولسی جرگه یا شورای ولایتی چه وظایف، صلاحیت ها و مسؤولیت هایی به او سپرده می شود؟ زیرا با این درک و فهم درست است که می تواند وارد کارزار تبلیغات انتخاباتی گردد.

لازم است تا هر کاندیدا قانون اساسی کشور و به خصوص فصل پنجمآن را که مختص به شورای ملی است و همچنین قانون انتخابات و سایر قوانین را خوانده باشد و احکام آن را به روشنی بداند تا در تبلیغات انتخاباتی از گلیم خویش پا فراتر ننهد و چنان وعده هایی به مردم ندهد که گویا با انتخاب به حیث نمایندهٔ ولسی جرگه یا شورای ولایتی، رئیس جمهور کشور خواهد شد و چنین و چنان خواهد کرد

بنا بر این لازم است تا هر کاندیدا قانون اساسی کشور و به خصوص فصل پنجم آن را که مختص به شورای ملی است و همچنین قانون انتخابات و سایر قوانین را خوانده باشد و احکام آن را به روشنی بداند تا در تبلیغات انتخاباتی از گلیم خویش پا فراتر ننهد و چنان وعده هایی به مردم ندهد که گویا با انتخاب به حیث نمایندهٔ ولسی جرگه یا شورای ولایتی، رئیس جمهور کشور خواهد شد و چنین و چنان خواهد کرد.

۳- مسألهٔ اساسی دیگر، شیوه، رفتار و آداب کمپاین و رعایت آن توسط کاندیداها و طرفداران آنهاست.

در این شکی نیست که هر کاندیدا حق دارد خود را به مردم بشناساند، در مورد شخصیت، تحصیلات، توانایی ها و گذشته و تجربهٔ خویش و ازشایستگی و کفایت خود به مردم بگوید و به آنان در مورد نظریات، اهداف و اجراآت آیندهٔ خویش به حیث عضو شورا معلومات و یا وعده بدهد ولی نباید قوت و برتری خود را در توهین و کوچک شمردن دیگران جستجو کند.

طرفداران کاندیداها می توانند اوراق تبلیغاتی را در محلات مجاز نصب نمایند ولی نباید عکس و اوراق دیگران را پاره و از خود را به جای آن الصاق کنند.

۴- دفتر مشترک تنظیم انتخابات باید قواعد و ضوابطی را در مورد کمپاین وضع نموده باشد و دولت به خصوص شهرداری ها باید محلات مجاز و غیر مجاز برگزاری اجتماعات، سخنرانی ها و نصب عکس و اوراق تبلیغاتی را مشخص نموده باشد.

در این مورد اماکن عمومی از اهمیت ویژه یی برخوردار است و همین اکنون عکس برخی از کاندیداها در پایه های برق کنار جاده ها، پارک ها و حتی تخته های اعلانات و آگاهی های وزارت خانه ها دیده می شود و معلوم نیست که این عمل با اجازهٔ شهرداری و ادارات مربوط صورت گرفته است و یا خود سرانه! و هرگاه شهرداری چنین اجازه یی را داده باشد پس وجوهی را نیز باید دریافت نموده باشد و در این صورت است که کاندیداهای پولدار بیشتر می توانند به نفع خویش از فضای شهرها استفاده نمایند.



۵- ضیافت ها و میهمانی ها یک وسیلهٔ موثر دیگر و حتی جزء اساسی کمپاین انتخاباتی به شمار می رود و این رسم از انتخابات سال های اخیر رژیم سلطنتی به میراث مانده است. بدون شک فقط کاندیداهای صاحب ثروت و امکانات توان برپایی همچو میهمانی ها را دارند.

بدبختی این است که همچو کشش ها و جاذبه ها جاگزین معیارهای اصلی گزینش افراد برای نمایندگی گردد.

دفتر مشترک تنظیم انتخابات...

این افراد می توانند برای کاندیداهای ولسی جرگه ۵۰ هزار افغانی و برای کاندیداهای شوراهای ولایتی مبلغ ۲۵ هزار افغانی مساعدت نمایند.

بهین گفت که تا تاریخ ۱۲ اسد، ۱۴ مؤسسهٔ داخلی، ۶ مؤسسهٔ بین المللی، ۲۴ حزب سیاسی، ۴۴ ارگان نشراتی به منظور نظارت از جریان انتخابات پارلمانی اعتبار نامه اخذ کرده اند.

اما این که کدام ارگان با چه شیوه یی هزینهٔ مالی کاندیداها را بررسی و نظارت می نماید و آیا چنین کاری عملاً ممکن است، سوال هایی می باشدکه هنوز پاسخ نیافته است. ارزیابی و نظارت از هزینهٔ مالی هر کاندیدای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی، در حالی که حدود ۶۰۰۰ کاندیدا وجود دارد کاری است غیر ممکن و در مورد این که چه کسی چه مبلغی را به کاندیداهای مورد نظر خود مساعدت می نماید این خود بر اساس روابط و مناسبات شخصی می تواند انجام یابد، و با چنین دستور العمل ها هیچ گاهی نمی تواند قابل ارزیابی و یا پیش بینی باشد. دفتر مشترک تنظیم انتخابات اکنون که مدت کمی به دوران مبارزهٔ انتخاباتی باقی مانده است باید دستور العمل های مشخصی را که اجرای آن با در نظر داشت امکانات این دفتر میسر باشد، اعلام بدارد تا همه یکسان، آن را عملی سازند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی : ۲۲٦
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرود ملی بار دوم به نظر خواهی...

دا وطن افغانستان دي
دا عزت د هر افغان دي
کور د سولي د توري
هر بچي يي قهرمان دي
دا وطن د تولو کور دي
دبلوخو د ازبکو
د پشتون او هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب گوجر دي
پاميريان، نورستانيان
براهوي دي، قزلباش دي
هم ايماق، هم پشه يان
دا هيواد به تل خليږي
لکه لمر پر شنه آسمان
په سينه کي د آسيا به

لکه زړه وي جاويدان
نوم د حق مو دي رهبر
وايو الله اکبر وايو الله اکبر

این پیش نویس کنونی هرچند نظر به متن پیشین با مفاد قانون اساسی دربارهٔ سرود ملی بیشتر منطبق به نظر می آید ولی از لحاظ آهنگ و کشش و جذابیت شعری و روح حماسی که از ویژگی های مهم شعر سرود ملی است، بی بهره تر از متن پیشین دیده می شود.

اگر این پیش نویس را با سرود ملی معمول کشور مقایسه کنیم در می یابیم که بسیاری از عناصر اساسی سرود ملی مانند افتخارات تاریخی و ارزش های تمدنی و اندیشگی و هویت جمعی مردم افغانستان به کمال زیبایی در آن بازتاب یافته است و بسیاری از این ها در پیش نویس حاضر وجود ندارد.

ما از زمان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تا کنون مشکل سرود ملی را حل نکرده ایم. اگر ما صادقانه با دید ملی و انسانی با این مسأله برخورد می کردیم ما امروز به چنین مشکلی مواجه نمی شدیم. متأسفانه این نمایندگان مردم در لویه جرگه نبودند که دربارهٔ چگونگی سرود ملی تصمیم می گرفتند بلکه شماری غیر از نمایندگان تصمیم گرفتند و این مشکل را ایجاد کردند. خواست اکثریت نمایندگان این بود که سرود ملی به دو زبان رسمی کشور فارسی دری و پشتو باشد تا به جایی این که خود عامل نزاع و کشمکش گردد موجب همدلی و وحدت و صمیمیت درمیان مردمان با هم برادر کشور شود. به سخن و تضمین مارشال فهیم و دکتر عبدالله وزیر خارجه به شماری از نمایندگان رئیس دولت هم این طرح را پذیرفته بود و قرار بود در سخنرانی اختتامی خویش آن را اعلام کند، ولی به اثر مداخلات عده یی تنگ نظر این طرح سبوتاژ شد و در سخنان رئیس دولت گفته نیامد و از آن روز تا امروز پرداختن به سرود ملی مشکلی بر مشکلات ما افزوده است.

مصطفی شهری

انتخابات پارلمانی و مثلث دولت، نیروهای بین المللی و احزاب سیاسی

پوهندوی عبدالعلی کوهی

یکی از مسؤولیت های اساسی دولت کنونی ما، ایجاد زمینه های لازم برای مردم به هدف مشارکت در انتخابات است؛ زیرا تمام امکانات مادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در زیر نگین حاکمیت دولت منتخب و نیروهای ائتلاف جهانی قرار دارد. و همچنان دولتمردان از حمایت جوامع بین المللی و به ویژه ایالات متحدهٔ امریکا برخوردارند. مردم از جامعهٔ بین المللی می خواهند تا این انتخابات با معیارهای جهانی و به گونه یی عادلانه در کشور برگزار گردد. اگر دولتمردان کنونی خواهان وحدت ملی، آرامش، صلح، ترقی و نهادینه سازی جامعهٔ مدنی و دموکراسی در افغانستان هستند، باید از خود صداقت نشان دهند و در جهت تشکیل یک پارلمان مردمی و کارآمد عملاً کار و فعالیت نمایند.

نیروهای ائتلاف بین المللی که خواهان مبارزه علیه کشت خشخاش، تولید مواد مخدر، طالبان، حزب اسلامی و تروریستان القاعده در افغانستان می باشند، توقع این است که مردم ما را نیز در این راستا کمک نمایند و نباید مهره های دولتی با امکانات دولت به کار مبارزات انتخاباتی بپردازند و با پول های باد آورده خود را در این راه به هدف برسانند. در این صورت است که بحران اعتماد در کشور عمیق تر می گردد؛ چیزی که از سال ها بدین سو آحاد کشور از آن رنج می برند و تا هنوز مردم فرستاده های دولت را در ولایات به مثابهٔ نمایندگان واقعی خود نمی دانند، هرچند مسؤولان امور نیت انجام کاری خیر داشته باشند، فقط این بحران اعتماد است که فاصلهٔ دولت و مردم را از هم دور می سازد. امروز طوری که دیده می شود فرماندهان، مردان زور و زر و سرمایه بعد از این که از قدرت دولتی سبکدوش گردیدند و یا آینده را به نفع خود تشخیص ندادند خود را در کار زار انتخابات پارلمانی نامزد کردند. در حالی که بعضی از این شخصیت ها فقط شخصیت های دوران جنگ و مبارزه بودند، نه شخصیت های دوران بازسازی، چه رسد به آن که در کشور قانون گذاری نمایند و استراتژی سیاسی ایجاد نمایند، این یکی از پارادوکس های جامعهٔ کنونی ماست که یک شخصیت در همه عرصه ها ظاهر می گردد، یک بار در کسوت قوماندان، والی، رئیس وباری دیگر در لباس قانون گذار و...

متأسفانه در ادارهٔ موقت و حکومت انتقالی و حتی جمهوری اسلامی افغانستان بعضی از شخصیت ها دوگانه عمل کردند و فقط همین شخصیت ها اند که دولت به آنها اعتماد دارد و این دولت است که بحران ایجاد می کند و مشروعیت خود را سؤال برانگیز می سازد ورنه امروز ما یک رئیس جمهور منتخب داریم، باید به روشنفکران، به شخصیت های ملی و کاردان اعتماد کند و همه مردم را در مشارکت سیاسی سهیم سازد، نه چند تن محدود را. امروز در کشور فساد اداری، نیرومند شدن مجدد طالبان و تروریستان القاعده، انسان ربایی، توسعهٔ قاچاق مواد مخدر، استفاده های نا مشروع سازمان های انجویی از کمک های کشورهای خارجی وصدها مصایب دیگر در حال افزایش و شکل گیری است. این گونه مسائل چیزی است که هیأت کابینه، رسانه های بین المللی نیز بدان اعتراف کرده اند. فقط شلاق پارلمان به پاره یی از این مصایب پایان خواهد داد، در صورتی که مافیای مواد مخدر، تریاک سالار و دارندگان زور و زر وارد پارلمان گردند، دیگر چه توقع از این خانهٔ ملت خواهیم داشت؟!

نباید مهره های دولتی با امکانات دولت به کار مبارزات انتخاباتی بپردازند و با پول های باد آورده خود را در این راه به هدف برسانند. در این صورت است که بحران اعتماد در کشور عمیق تر می گردد؛ چیزی که از سال ها بدین سو آحاد کشور از آن رنج می برند و تا هنوز مردم فرستاده های دولت را در ولایات به مثابهٔ نمایندگان واقعی خود نمی دانند

چیزی که هم اکنون برای رسیدن به این مامول، مردم ما از جوامع جهانی و دولتمردان انتظار دارند، این است که زمینه ها وشرایط لازم برگزاری منصفانهٔ انتخابات پارلمانی را مساعد سازند و نباید دیگر مردم زیر نام دموکراسی لیبرالیسم و جامعهٔ باز سیاسی از مشارکت سیاسی محروم گردند.

در روند انتخابات افغانستان، سه عامل، خیلی با اهمیت و تأثیر گذار خواهد بود، این عوامل دولت، نیروهای بین المللی و احزاب سیاسی است. دولت تلاش می نماید تا از یک طرف مشروعیت آن در صورت ایجاد پارلمان تکمیل گردد و از جانب دیگر پارلمانی روی صحنه بیاید که از دولت پشتیبانی نماید و بازار نقد سیاسی را در کشور گرم نسازد. امروز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه در متن حوادث کشور قرار ندارند و احزابی که بعد از توشیح قانون احزاب در کشور عرض اندام نموده اند، قادر نیستند سرنوشت پارلمان را به نفع خودشان تغییر دهند. روی همین هدف دولت رأی واحد غیر قابل انتقال را در انتخابات پارلمانی پیشنهاد نمود و بدون دغدغه پذیرفته شد؛ زیرا موجودیت احزاب تازه ثبت شده درمیان مردم محسوس نیست و هرگز مردم حاضر نیستند که به نام حزب رأی دهند، چون نه رهبران آنها را مردم می شناسند و نه هم بر آنها اعتماد دارند.

در شرایط کنونی هم دولت و هم احزاب سیاسی در کشور ارتباط لازم با مردم قایم کرده نمی توانند. فقط هر دو در پی منافع خود هستند. دولت می خواهد پارلمان تحت فرمان داشته باشد و احزاب به دنبال وارد کردن فرد مورد نظر در پارلمان می باشد. اما به یقین جریان انتخابات در شرایط کنونی افغانستان به نفع دولت است نه به نفع احزاب سیاسی. ولیکن هر قدر پارلمان تحت فرمان دولت باشد به همان پیمانه بحران اعتماد میان مردم و دولت عمیق تر خواهد گردید و این کار نه به نفع یک دولت عادل است و نه هم به نفع مردم. احزاب جهادی هم که برخاسته از متن جامعه اند، و با آن که در روند رو به رشد کشور با دولت همسویی دارند، ولی از یک طرف با برخی از برنامه های دولت و تصمیم گیری نیروهای ائتلاف با شک و تردید می نگرند و گاه گاهی زبان اعتراض در برابر آن می گشایند و از جانب دیگر خطر تروریزم و جریان طالبانی را در کشور درست درک می نمایند و موجودیت نیروهای بین المللی را به نفع صلح و ثبات تشخیص می دهند، هرگز حاضر نیستند که ارزش های جهاد و مقاومت را در پای دموکراسی لیبرالیسم غربی قربان نمایند.

عده یی از احزاب سیاسی که یک شبه برای خود نام و نشان پیدا کرده اند و میزان حضور و نقش آنها از حوزهٔ فامیل و خانواده فراتر نمی رود، می خواهند با سر و صدای کاذبانه و ایجاد تشکل های اپوزسیونی خود را به خورد مردم بدهند که از ایجاد چنین اپوزسیون دولت در شرایط کنونی سود فراوان خواهد برد.

شصتمین سالروز بمباران های اتومی در ژاپن

ابوبکر سبزوار



روز های ششم و هشتم اگست از روز های فراموش ناشدنی در تاریخ بشر است. شصت سال پیش و در آخرین روزهای جنگ دوم جهانی، امریکا با پرتاب دو بمب اتومی بر روی شهر های هیروشیما و ناکاساکی و کشتن صد ها هزار انسان، جهان را وارد عصر اتوم نمود.

قبل از به کارگیری بمب برروی هیروشیما، البرت انشتین که خود در ایجاد این سلاح نقشی بنیادین داشت، طی تلگرافی به هاری ترومن رئیس جمهور وقت امریکا از وی خواست که این سلاح مرگبار را بر روی یک جزیرهٔ بی آب و علف امتحان نماید اما به خواست او توجهی صورت نگرفت.

بمبی که بر روی هیروشیما منفجر شد قدرتی معادل بیست هزار تن مواد منفجرهٔ تی ان تی داشت یعنی بمب بسیار کوچکی بود ولی همین به اصطلاح (مینی بمب) شهری را با اکثر ساکنان آن به کام مرگ فرو برد. آنانی که زنده ماندند به مراتب بدشانس تر از مرده ها بودند؛ زیرا با تحمل درد های فراوان ناشی از انفجار هر لحظه با مرگی بسیار دردناک دست به گریبان گردیدند و بعداً مردند. قدرتی که انشتین آرزو داشت با استفادهٔ صلح آمیز از آن بشریت به رفاه و سعادت دست یابد، برای نخستین بار در جهت نابودی بشر به کار گرفته شد.

در طول شصت سال گذشته بارها این سؤال مطرح گردیده که با توجه به وقایع آخرین سال جنگ دوم (۱۹۴۵) آیا استفاده از بمب اتومی علیه ژاپن لازم بود؟ آنهم در شرایطی که متفقان به سرعت در حال پیشروی بودند و نیرو های متحدین آرایش جنگی خویش و توان مقاومت را از دست داده بودند.

امروز هم وقتی به شهر های هیروشیما و ناکاساکی در ژاپن قدم می گذارید، در کنار ساختمان های مدرن ساخته شده پس از جنگ، چند ساختمان نیمه ویران بازمانده از بمباران اتومی نیز به حالت سابق خویش خودنمایی می نماید تا یادآور آن هیولای مرگ باشد.

از این واقعهٔ دردناک در تاریخ بشر همه ساله طی مراسمی در شهر بمباران شده یاد بود به عمل می آید و به یاد مان می آورد که جهان بدون اسلحهٔ اتومی جهانی مصون تر خواهد بود.

نیویارک تایمز:

پاکستان له طالبانو سره په پوځي ډګر کي مرسته کوي

د نیویارک تایمز ورځپاڼي د خپلي وروستي ګڼي په سرمقاله کي "د افغانستان هیر شوي جنګ" تر سر لیک لاندي یو مطلب خپور کړي چي ځیني غټ ټکي ئي وړاندي کیږي.

ورځپاڼه لیکي د افغانستان نوم د خبرونو په سرکي دي، خو په دغه هیواد کي جنګ لا هماغسي دوام لري د ورځپاڼي په آند، د دي دلیل د پاکستان دوه مخي سیاست دي. هغه هیواد چي یو وخت د طالبانو د روزني مرکز و. پاکستان د دي پر ځاي چي د دوي مخه ونیسي بالعکس له دوي سره پوځي مرستي کوي او ددي پرځاي چي د یوه متعهد او ژمن هیواد په توګه له ترهګري سره عمل وکړي ترهګر روزي دا کار د دي سبب شو چي د روان کال په بهیر کي څه د پاسه 38 امریکائي سرتیري او په سلګونو تنه افغاني عسکر ووژل شول او دغه هیواد پارلماني ټاکني لي هم له خطر سره مخامخ کړي دي. اوس اوس پارلمان نشته چي حکومت هغه ته د خپلو کړنو ځواب و وائي. اداره فاسده ده د نیشه یي توکیو د مخنیوي په اړه ټول فشار د فقیر بزګر پر سر دي او پیسي ئي دقاچاقبرانو په جیب کي لویږي د دوي دمحاکمي لپاره یو منظم قضائي سیستم وجود نه لري د جمهوري ریاست د ټول ټاکنو سوله ییز بهیر خلک هیله من کړل چي د دوي پر زخمونو به پټي کیښودل شي خو د حکومت تیریدنه او نرمښت دغه هیله ناهیلي کړه د نوي کال په پیلیدو د طالبانو بریدونه مخ پر زیاتیدو شول. پاکستان هم د ځینو مذهبي ډلو له ویري د طالبانو په مخنیوي کي له احتیاط څخه د کار اخیستلو لاره خپله کړه.

کله چي د پاکستان له پوځي مشر څخه پوښتنه وشوه چي ولي له خپلو وعده سره سم حکومت ملکي خلکوته نه سپاري وائي چي پاکستان یوه قوي مټ ته ضرورت لري. نو نړي دي باید تري پوښتنه وکړي چي ولي دغه قوي لاس د ترهګرو او طالبانو په مخنیوي کي په کار نه اچوي.

به شبهه نگویید نام سرخم را!

محمد اسحاق فایز

چه می توا نم کرد
سکوت ممتد ره برده بر گلویم باز
میان مجمرهٔ سرخ _ سرخ چون یاقوت
سرود سرخ دگر می سراید از آتش
ودر میانهٔ آن
دوصد گلوی دگر را برای سیل خروش
خروش می کارد
که باز در گذر تنگ باد های سموم
_ که هول تیره وتاری وزیده بودم پار _
کتاب عقل بلوطان کوهساران را
به پنجه های ترک های چاک چاک زمین
_ وسوختگی ز عطش _
میان بادیه های مهیب و خون پالود
بخواند آهنگین
آیا ستارهٔ خاموش و روشنی که نگاهت
فراز سیطرهٔ آسمان تیره شب
نگاه خسته مارا خموش می خواند:
دوباره می کشم آن کوله بار ها بر دوش
وبر فراز ا فق های دورو نامعلوم
سکوی نام خودم را بنا کنم از سر
وبر فرا تر ازآن
درفش ژندهٔ پارینه را بیفرازم
بگیر باز تبر زین دسته بادامی
وشب دو دیدهٔ خودرا قراولی آموز
که هول دیگر نیز
زسوی دا منه ها بار دیگر می آید
به ترک او بسته است
کمند ا فرنگی
وخنجری که هنوز از کنار لبهٔ آن
عقیق خون جگر گاه شاه آزادی
به خاک می ریزد
بگیر باز تبرزین کهنه را ای یار
که از سرادق شب باز فتنه می بارد
وآسمان از آن سوی ناصبور و بخیل
به روی سینهٔ این خاک درد مند و غمین
که خون تاک گرفته است تلخ رویش را
زحلق دیو سیا هی غریو می آرد :
بکش که خون سیاووش ها ی آزادی
مباح مان بادا !
ببر که تاج خدایان نخوت و ناموس !
_ حلال مان بادا !
چه می توانم کرد ؟
مرا که با نم وسواس ارغوان ا نس است
و عشق من نفس سبز توت زاران است
نمی توان گفتن:
فراز چشم تو ا بروست ای ستاده بلند
چه می توانم کرد ؟
مراکه خون من از رگ مهر می خیزد
زکوچهٔ پامیر ،
نمی توان گفتن :
حصار وکوی شکوه زمانه از ما بود
و هرچه نام و بزرگیست پاک از ما بود
گرفته ام به کف اینک من آن تبر زین را
وبر فراز بلندای سبز هندوکش
ستاده می گویم :
گهی به شبهه نگویید نام سرخم را
ملسپه _ پنجشیر



نسیمی از فارس

ترانه های شیراز



۴

نگارش سید قطب

ترجمهٔ خواجه بشیر احمد انصاری

آنچه ابراهيم امين پيرامون شخصيت حافظ و روش شعري او اظهار داشته چيزي جز تناقض گويي آشكار نيست، زيرا او باريكی هاي فراوانـي را در پاي نثر مسجع خويش قرباني نموده است. برداشت او از حافظ غير از چيزي است كه خوانندهٔ غزليات از خلال سخن حافظ در مي يابد. اما گيرم كه من به خاطر ندانستن زبان فارسي در قضاوت خود دچار اشتباه شده باشم اما مي بينيم كه برداشت دكتر عبدالوهاب عزام از شيوه و اسلوب حافظ مؤيد نظر من است. گمان غالب من اين است كه در اين مورد توفيق با دكترابراهيم امين رفيق نبوده است.

اما شيوهٔ ترجمه

ممكن است كه من به سان همه كساني كه فارسي را نمي دانند حق نداشته باشم كه در مورد ترجمهٔ اين اثر قضاوت نمايم اما اين مسأله نمی تواند مانع آن شود كه احساس خويش را بيان نموده و بگويم كه در جريان مطالعهٔ اين ترجمه، گاهي مي ديدم كه روح مسرت بخش و لطيف حافظ از ديده ها پنهان شده و از پشت پردهٔ الفاظ در جستجوي سوراخي مي افتيد تا دزدانه عبور نموده و خوانندهٔ (ترجمه غزليات) را به گوهر زيبا و لطيف حافظ رهنمون شود.

مترجم، پارهٔ محدودي از غزليات را به نظم برگردانيده و بخش اعظم آن را به نثر ترجمه نموده كه در اين باب موفق بوده است.

نظم در زبان عربي كار ساده يی نبوده و نيازمند موهبت خاصي است ولي هرگاه خواسته باشيم كه اشاره هاي نازك و سريعي را كه روابط پنهاني و باريكي آنها را بهم پيوند مي دهد، ترجمه نماييم، اين دشواري چند برابر مي شود. مقايسه ميان ترجمهٔ منظوم و منثور غزليات اندكي كه به نظم ترجمه شده مؤيد ادعاي من است. در ترجمهٔ منظوم، هدف شاعر به بسيار مشكل ارائه شده و از حقيقتي كه تا حد امكان در ترجمهٔ منثور چهره مي نمايانـد، به صورت آشكاري به دور مانده است.

پس از آنچه ياد آور شديم به جز چند مورد اندكي كه شايد اشتباه طباعتي باشد بايد به درستي زبان ترجمه اعتراف نمود.

چقدر دلم مي خواست كه نيازي به نگارش صفحهٔ اخير نداشته و تنها مراتب سپاس و امتنان خويش را به نمايندگي از خوانندگان (العربيه) به پيشگاه دكتر ابراهيم امين تقديم مي نمودم، زيرا او با اين احسان خويش شايستهٔ ستايش نا محدود و سپاس فراوان مي باشد.

پايان

د الفت په شعر کې د سولي او پیوستون انګازې

زیارمل

په سوله او امن مين ، د پاک او سپين زړه خاوند د مينـي او محبت زيږوونکي، د وروروليی او ښه نيت څښتن فيلسوف شاعراو ستر اديب اروانباد ګل پاچا الفت چي د ملي پيوستون او يووالي لپاره ئي خپل مادي او معنوي خواک وقف کړي و څه ښه ئي ويلي دي:

هغه ورځ به ښخوره وي هر ګوره
چي د سپينو زړونه تورنه وي له توره
کرکه نه وي يو له بله محبت وي
وروروليی وي صلح صفا وي ښه نيت وي
مرور خلک يو بل سره پخلا شي
نه چي غوښه او چاړه هغه اوداشي
بشري دوستي قايمه په جهان وي
خوښ په صلح هم کافر هم مسلمان وي

هوکي! د خاوري او هيواد اصلي بچيان هغه ورځ بختوره او له نيکمرغي ډکه بولي چي په ملک کي دوروری او اتفاق جنډه اوچته وي، د کرکي او کيني ځاي محبت او ميني ډک کړي وي، هيڅ افغان که هغه په هر قوم ، ژبي ، سيمي او مذهب پوري تړلي وي يو له بله مرور نه وي، يو بل ته ني د دښمنی سنګر نه وي نيولي او يو د بل وينو ته تږي نه وي، شاعر د پرمختګ ، سوکالی او نيکمرغی راز په ملي يووالي او سراسري پيوستون کي ويني او نه يواخي دا چي د يو ملک او وطن د خلکو تر منځ د ملي يووالي ، وروري، تفاهم، ښه نيت هيله من دي بلکي يووالي او اتفاق همکاري او همفکري د ملتونو او د ټولي نړی تر منځ هم ضروري بولي نو ځکه خو د خپل شعر په دوام وائي:

نژادي توپير هيڅ نه وي په دنيا کي
نه په شرق او نه په غرب نه امريکا کي
استقلال منلي حق د هر ملت وي
خو قايم په ملتو کي اخوت وي
د ګډ ژوند اصل و اساس اصلي منظور وي
جهاني عدل او انصاف سهي دستور وي

وياړو چي زموږ په افغاني ټولنه کي هم په سياسي او علمي ډګر کي او هم په ادبي او فرهنګي برخه کي داسي د علم او بصيرت خاوندان او د ټولني داجتماعي رنځونو د درملي و تلي ډاکټران تير شوي او موږ ته ئي د خپلو ټولنيزو رنځونو او کمزوريو لپاره ليکلي سپارښتني او لارښووني پرېښي دي چي که په قول او وينا ئي عمل وشي او افغانان ئي سر مشق وګرځوي نو په دي کي شک نشته چي زموږ د پرمختګ څلانده مثال او لارښود به وي خو موږ ته دي خداي (ج) د فکر او ذهن رڼا ئي راکړي چي د هغو په لاره روان شو او په خپل منځ کي خپل اجتماعي رنځونه چي يو ئي خانخاني او بي اتفاقي شميرل کيږي په دقيقه توګه وپيژنو او د ملي وحدت په ټينګښت سره ددغه خوروونکي او وژونکي رنځ درملنه وکړو، ځان ته نظام جوړ کړو، د قانون په سيوري کي ژوند تنظيم کړو او د نړيوالو سره د متقابله اړيکو، حسن تفاهم او ګډي همکاري په رڼا کي د ګډ ژوند اساسات پياوړي او يو د بل په غم کي غمجن او خوښي خوښ شو.

نو ځکه ګل پاچا الفت په خپل دغه شعر کي ورته داسي اشاره کړي ده:

هر ملت په هر نظر کي وي ښاغلي
که په هر رنګ او ائين کي وي راغلي
سريتوب وي محترم په هر لباس کي
په زري جامو کي وي که په کرباس کي
داسي وساتي هر څوک خپل مسلکونه
چي ونه کړي يو له بل سره جنګونه
ټول جهان د دوستي کور وي سر تر سره
د جنګ ويره شي له زړونو نه بهره
زور تړلي وي د سولي په قانون
مهار شوي مست او ښان وي دجنون
ټوپول د وينو شرم او پيغور وي
شرمنده ذليل سر ټيټي ظلم و زور وي

هوکي! له پورتنيو بيتونو څخه داسي معلوميږي چي د مرحوم الفت نظر د قومونو او ملتونو له چوکاټ نه هم وتلي، د هغه ايډياله سوله ييزه مفکوره بلکل جهاني ښه نيسي او هغه له درناوي او همکاری ډک ژوند نه يواخي د قومونو او ملتونو تر منځ غواړي بلکي هيله ئي داده چي قانون په ټوله نړي حاکم وي، زور زياتي د ذلت کندي ته ولويږي ، د ډيرو سترو زبر خواکو هيوادو تر څنګ ډير کوچني او کمزوره هيوادونه هم د ارامی او هوسايني ساه وکاږي نه دا چي ستر هيوادونه د کوچنيو هيوادونو ازاد برخليک تاواني کړي، د هغو ملي ګټو ته زيان ورسوي او يادا هڅه وکړي چي ګني د خپل حاکميت په چوړلک ئي را وګرځوي او ملي هويت تري واخلي نو ځکه خو الفت صاحب د سياستونو سموالي او روغ نيتي غواړي، جنګ جګړه غځندي او دخپلي دغي مبارکي مفکوري د جهاني کيدلو هيله لري او شعر ئي داسي دوام پيدا کوي:

جګ شي هر چيرته د سولي بيرغونه
شي په سمه لار روان ټول سياستونه
د انسان زړګي د جنګ او جګړي تور شي
توره ماته شي او جوړ ورنه څه نور شي
څوله نه وي علامه د خجالت
په خدمت خولي کيدل وي شرافت
يو له بله محبت مهرباني وي
د الفت هيله او فکر جهاني وي
زه له تا ځني جاريږم ته له مانه
که جدا هم وي زما آئين له تانه

د اروانباد ګل پاچا الفت د مقدسي هيلي د تحقق لپاره دعا کوم چي لومړي خو زموږ د وياړلي هيواد د ټولو ورونو قومونو په زړونو کي د بي ځايه کينو او بدبينيو ريښي وچي شي او بيا زموږ ټول هيوادوال د ميني، وروری په روحيه يو بل ته ددوستي او محبت لاسونه ورکړي، يو بل په غيږ کي ونيسي، يو د بل ملاتړ شي او ټول په ګډه د خپل جنګ ځپلي هيواد د بيا جوړولو لپاره ملاوي وتړي او نړيوالو ته وښيي چي افغانان په سياسي او شعوري لحاظ له چا نه کم نه دي.

کاشکي د اروانباد الفت دا هيله زموږ په ملي پيوستون سره تحقق ومومي چي وائي:

زه له تا ځني جاريږم ته له مانه
که جدا هم وي زما آئين له تانه

اقدامات کمیسیون انتخابات و نگرانی های مردم

سید ناصر تقدسی

بیشتر از یک ماه و چند روز به موعد برگزاری انتخابات پارلمانی باقی نمانده است، به هر اندازه یی که به زمان نهایی انتخابات نزدیک می شویم به همان پیمانه نگرانی ها در مورد نحوهٔ برگزاری انتخابات افزایش می یابد.

زمانی که انتخابات ریاست جمهوری در هجدهم میزان سال پار، برگزار شد، شمار زیادی از هم میهنان ما با استناد به تخطی هایی که در آن صورت گرفته بود، گمان می بردند که انتخابات پارلمانی آینده نیز، به سان انتخابات گذشته خالی از تخطی نخواهد بود و بیم داشتند که زمینه های خوبی برای تدویر یک انتخابات آزاد، منصفانه و شفاف فراهم نخواهد شد، امروز این گمانه ها، تشدید شده است.

علایم و نشانه هایی وجود دارد که دیگر با توجه به آنها در مورد برگزاری عادلانهٔ انتخابات نمی توان مطمئن بود! در این جا بهتر است، به برخی از این علامت ها و نشانه ها به گونه یی اختصار اشارت کنیم:

۱- صدور اجازت برای توزیع پول: اخیراً کمیسیون مشترک انتخابات پارلمانی اعلام کرده است که کاندیداهای ولسی جرگه اجازه دارند در جریان کارزار تبلیغاتی خود تا مبلغ ۷۵۰۰۰۰ افغانی و کاندیداهای شورای ولایتی نصف این مبلغ را به مصرف برسانند! صدور این اجازت کاملاً غیر منطقی است و جز زمینه سازی برای انحراف مسیر انتخابات معنی دیگری را نمی تواند افاده کند.

دغدغه و دلهرهٔ مردم بیشتر از همین ناحیه بود که مبادا در خلال کمپاین انتخاباتی عده یی از ثروتمندان بی احساس که غالباً از راه های غیر مشروع زر اندوخته اند، با توزیع پول برای شماری از کلاه برداران، مردم عادی و ساده لوح را بفریبند و با تقلب و تزویر راه های ورود خود به پارلمان و شوراهای ولایتی را هموار سازند. پس با اعلام رسمی کمیسیون انتخابات مبنی بر توزیع وهزینهٔ پول در کمپاین انتخاباتی این امر ثابت شده است که انتخابات آینده، با عدالت و شفافیت در خیلی از امور همراه نیست و افرادی با فهم و تحصیل کرده و دلسوز وبا تقوا که غالباً بی بضاعت و کم پول هستند دیگر هیچ شانسی برای ورود به پارلمان نخواهند داشت.

با تطبیق این راهبردهای ضد ملی پارلمان آیندهٔ ما یک پارلمان واقعاً مردمی نخواهد بود و به جای تحکیم ثبات و مهار کردن قانون شکنی ها وبی عدالتی ها، خود زمینه ساز بی ثباتی و بیداد و معامله گری خواهد شد و فاجعهٔ دیگری را در تاریخ افغانستان رقم خواهد زد.

۲- کم بودن وقت کمپاین: یکی دیگر از عواملی که این دلهره ها را قوت بخشیده است ضیق بودن زمان کمپاین انتخاباتی است. در بیست و هشت روزی که برای کمپاین در نظر گرفته شده بسیاری ها که امکانات فراوان مالی ندارند و یا وابسته به مراجع قدرت نیستند، نمی توانند به تمام مناطق یک حوزهٔ انتخاباتی بروند و برای مردم، خودشان را معرفی نمایند و به تشریح و توضیح دیدگاه های خویش بپردازند.

البته کسانی که ثروت دارند و یا به دستگاه قدرت وابسته هستند به خوبی می توانند در این مدت با استفاده از امکانات دست داشته به همه مناطق سفر کنند و به بهانه های مختلف رسانه ها را هم به سود خود مورد استفاده قرار دهند اما برای دانشمندانی که به طور اکثریت هم از ثروت محرومند و هم به مراجع قدرت تعلق ندارند، بسیار مشکل خواهد بود که در این مدت کوتاه آن گونه که شایسته هست بتوانند کمپاین نمایند.

۳- نبود یک استراتژی آگاهی بخش: عدم یک برنامهٔ منظم آگاه کننده مسألهٔ دیگری است که می تواند در انحراف روند انتخابات نقش داشته باشد. اکثریت قریب به اتفاق مردم ما نمی دانند که رأی آنها چقدر ارزش دارد و همچنان نمی دانند که رأی شان بزرگ ترین امانت الهی است که اگر به اهل آن سپرده نشود مسؤولیت اخروی دارد، و به همین ترتیب تا هنوز درک نکرده اند که دادن رأی، سری است و هیچ کس نمی داند که در روز انتخابات و در بالای صندوق رأی دهی کی به کی رأی داد.

برای آگاهی مردم از این مسائل بهتر بود یک برنامهٔ تبلیغاتی بسیار وسیع از طریق کارکنان ستاد مشترک برگزاری انتخابات، رسانه های همگانی ملی و خصوصی و علمای دینی راه اندازی می شد که تا هنوز نشده است. این موضوع می

> **دغدغه و دلهرهٔ مردم بیشتر از همین ناحیه بود که مبادا در خلال کمپاین انتخاباتی عده یی از ثروتمندان بی احساس که غالباً از راه های غیر مشروع زر اندوخته اند، با توزیع پول برای شماری از کلاه برداران، مردم عادی و ساده لوح را بفریبند و با تقلب و تزویر راه های ورود خود به پارلمان و شوراهای ولایتی را هموار سازند**

تواند در راستای غیر منصفانه بودن انتخابات بسیار ممد واقع شود و برخی از حلقه ها و افراد از این نا آگاهی مردم بهرهٔ نادرست ببرند، به گونهٔ مثال اعضای یکی از شوراهای محلی، یکی از ولایات فیصله کرده اند که برای خوشی فلانی صاحب - یکی از شخصیت هایی که فعلاً یک پست تشریفاتی دارد - باید به کاندیدای مورد نظر او رأی بدهیم!

معلوم است که این فیصله در یک تاریکی و جهالت صادر شده است، اگر اعضای محترم این شورا می دانستند که رأی امانت است و دادن آن به افراد غیر شایسته خیانت، و همچنان اگر می دانستند که طاعت مخلوق در معصیت خالق نا رواست و رویهمرفته اگر درک می کردند که دادن رأی، سری است و در روز انتخابات جز خدا هیچ کس دیگری نمی داند که ما به کی رأی دادیم، هرگز نمی گفتند که برای خوشی "فلانی صاحب" به کاندیدای مورد پسند او باید رأی بدهیم.

۴- عدم شفافیت در نظارت از روند رأی دهی و شمارش آرا: شفاف نبودن روند نظارت از جریان رأی دهی و شمارش آرا موضوع دیگری است که برنگرانی مردم در مورد تقلب در انتخابات افزوده است، تا کنون واضح نیست که نمایندگان کاندیداها حق دارند در محل توزیع برگه های رأی حضور یابند یا نه؟ و همچنان روشن نیست که آیا این نماینده ها از صلاحیت مهر و لاک صندوق های رأی و گشودن آن با دست خود در وقت شمارش آرا، برخوردارند و یا خیر؟ و اگر از چنین صلاحیت هایی برخوردار نباشند، پس حضور سمبلیک آنان به چه هدف و روی کدام برنامه منظور شده است.

۵- تأخیر در شمارش آرا: نگرانی دیگر مردم، تأخیر در شمارش آرا و تأخیر در اعلام نتایج انتخابات است، بهترین راه جلوگیری از جعل و تزویر در انتخابات این است که همزمان با ختم روند رأی دهی، جریان شمارش آرا با حضور نمایندگان کاندیداهای انتخابات، احزاب سیاسی و مردم آغاز یابد و با پایان یافتن شمارش آرا که شاید یک روز را در بر بگیرد نتایج انتخابات به اطلاع مردم رسانده شود.

ولیکن معلوم نیست که بر پایهٔ کدام مشکل و معذرت قانونی، ستاد مشترک انتخابات گفته است که شمارش آرا و اعلام نتایج انتخابات چند روز را در بر می گیرد، به باور ما این امر جز زمینه سازی برای تقلب و انحراف مسیر انتخابات به سود افراد و اشخاصی معین، معنای دیگری نخواهد داشت.

۶- چاپ بیش از حد برگه های رأی دهی: چاپ چهل میلیون اوراق رأی دهی، توطئهٔ دیگری است که می تواند مردم ما را نسبت به عادلانه بودن انتخابات بی باور بسازد. طبق اظهارات مسؤولان ستاد مشترک انتخابات فعلاً در تمام افغانستان به تعداد نزدیک به دوازده میلیون کارت رأی دهی توزیع شده است. چون هر نفر حق استعمال دو رأی را برای انتخاب یک نماینده به ولسی جرگه و یکی به شورای ولایتی دارد، این تعداد را که ضرب دو نماییم فقط بیست و چهار میلیون برگهٔ رأی دهی ضرورت است و اگر ضایعات و ضرورت های دیگر آن را مد نظر بگیریم، در نهایت بیست و پنج میلیون برگهٔ رأی دهی بایست چاپ می شد. اما چاپ چهل میلیون برگه هیچ توجیه قانونی و منطقی، ندارد، جز این که بگوییم: "زیر کاسه نیم کاسه است" و این کار به خاطری صورت گرفته است که حلقات معلوم و مشخص، برای به پیروزی رساندن افراد مربوط به خود از برگه های اضافی سوء استفاده کنند.

با توجه به آنچه گفته آمد نمی توان به یک انتخابات آزاد و عادلانه کاملاً امیدوار بود، لذا همهٔ مردم افغانستان و در پیشاپیش همه دست اندرکاران مطبوعات و رسانه های همگانی و علمای دینی مسؤولیت دارند نسبت به این مسائل که زمینه ساز تقلب و تزویر در انتخابات است، ابراز نگرانی کنند و از مسؤولان دولتی، مراجع بین المللی و کارگزاران امور انتخابات مجدانه تقاضا نمایند که آنها بایستی به زودی بر رفع این نگرانی ها بپردازند و زمینه های یک انتخابات آزاد و منصفانه را فراهم آورند.

انتخابات پارلمانی ودیدگاه های ...

کاندیدا در یک لیست گنجانیده شده بود مشکلاتی مبنی بر انتخاب شخص مورد نظر وجود داشت. آیا در لیست درازی که از نامزد های پارلمان ساخته خواهد شد، مشکلاتی وجود نخواهد داشت؟

او علاوه کرد:

کرسی های پارلمان نباید به اساس قوم، مذهب، لسان وسمت احراز شود بلکه کفایت ودرایت اشخاص باید مد نظر باشد، اما طوری که گفته شده است چند کرسی برای کوچی ها ویا فلان قوم در نظر گرفته شده است. به نظر من این تصمیم به صورت غیر معقول گرفته شده است و اگر این امر عملی شود، پارلمانی که به وجود خواهد آمد غیر متخصص و غیر مؤثر خواهد بود.

محرم علی محمدی باشندهٔ شهر کابل می گوید:

مردم ما از روند انتخابات هیچ اطلاع ندارند وحتی مردم نمی دانند که به کاندیدای مورد نظر خود چگونه رأی دهند و روند آن چگونه خواهد بود این را می توان ضعف دولت و مسؤولان انتخاباتی قلمداد نمود.

او همچنان گفت که در پارلمان باید افراد متخصص و کارآگاه جاگزین شوند تا باشد شاهد پیشرفت و آبادی باشیم ونباید اعضای پارلمان به تقلب وبه اساس شناخت وپول انتخاب شوند.

عبدالمنیر باشندهٔ واصل آباد کابل گفت:

در انتخابات ریاست جمهوری تقلب کاری های مسؤولان انتخابات هویدا شد و مردم را به این نتیجه رسانید که به هر صورت در انتخابات پارلمانی نیز تقلب صورت می گیرد، بنا بر این ما از دولت ومسؤولان انتخابات خواهش می نماییم که در مورد عادلانه بودن انتخابات توجه کنند.

او گفت: در محلی که من زندگی می کنم هیچ کسی از انتخابات چیزی نمی داند و سطح آگاهی آنها بسیار کم است باید مسؤولان در این عرصه توجه نمایند وتبلیغات گسترده را نه تنها در آن ساحه که در تمام افغانستان به راه اندازند.

حاجی احمد نور خسروی چنین می گوید.

موضوع انتخابات برای مردم کاملاً مبهم است. مردم در مورد انتخابات هیچ اطلاع ندارند در این صورت نمی توانیم یک پارلمان مردمی و مؤثر داشته باشیم.

سید پادشاه باشندهٔ شهر کابل که پیشهٔ دوکانداری دارد، می گوید:

من در مورد روند انتخابات هیچ نمی دانم واین بسیار مشکل خواهد بود که ما چگونه به نامزد مورد نظر خود رأی دهیم.

او گفت که ما از پارلمان توقعات زیادی خواهیم داشت واعضای پارلمان باید از میان خود ما باشند تا به توقعات ما پاسخ مثبت دهند ودرد ما را بدانند.

توریالی یکی دیگر از شهریان کابل می گوید:

من با تودهٔ بزرگی از مردم خود در تماس هستم و می دانم که اکثر مردم از انتخابات خبر ندارند وبرخ دیگری از مردم به این امر علاقه مندی هم ندارند.

این وظیفهٔ دولت و رسانه های خبری است که مردم را در این راستا تشویق کنند.

او علاوه کرد:

موضوع بسیار مهم این است که معیاری برای نامزد شدن پارلمان وجود ندارد و در میان نامزدان کسانی هم وجود دارند که هیچ سواد ندارند ویا سواد بسیار پایین دارند. به نظر من کسانی که به پارلمان برگزیده می شوند معیار سواد برای آنها بسیار ضروری پنداشته شود؛ چه شخص بی سواد از خود دفاع کرده نمی تواند چه برسد به آن که از مردم خود دفاع کند.

با وجود این همه انتقادات دیده شود که آیا دولت ودست اندرکاران انتخابات به سؤالات مردم پاسخ مثبت خواهند داد یا خیر؟

رستم ملکیار

آیا رفتن خاتمی، پایان اصلاحات د رایران است؟

محمد اسحاق فایز



روز چهارشنبه دوازدهم اسد ، سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران پس از دو دوره ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی مانند بسیاری از دولت مردان نظام های دموکراتیک با ریاست جمهوری کشورش وداع گفت و قدرت را به احمدی نژاد تحویل داد.

درتاریخ جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار دوکاندیدای ریاست جمهوری به دور دوم انتخابات راه یافتند. هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد کاندیداهایی بودند که نتوانستند در دو راول انتخابات، رأی لازم را به دست آورند و از این روی یک هفته پس از شمارش آرا در دوراول، به عنوان برندگان بالا ترین آرا در دور دوم به رقابت پرداختند که در نتیجهٔ آن ا حمدی نژاد از رفسنجانی گوی سبقت ربود. پیروزی احمدی نژاد چیزی غیر منتظره بود و زمانی امکان پذیر شد که تعدادی از گروه های سیاسی ایران از وی ابراز حمایت کردند .

و اما خاتمی؛ خاتمی به حق از چهره های نامدار و طراز اول سیاسی در منطقه بود . مردی که با بیست میلیون رأی (۷۰در صد کل آرای مردم ایران)درسال ۱۳۷۶ زمام امور را در دست گرفته بود.

وقتی خاتمی به قدرت رسید ، جامعهٔ جوان ایران با عوارض سر خوردگی ناشی از جنگ های تحمیلی و سیاست های تند راستگرایان ، به او امید بسته بودند و از همین روی نیز بود که اکثریت رأی دهندگان را در آن سال ،جوانان ایران اعم از زنان و دختران تشکیل می دادند .

گرفتن زمام امور کشور ی که بر فراز چتر قدرت نظام دست های "رهبر" و در کنار آن "شورای نگهبان" و "شورای تشخیص مصلحت نظام" احاطه دارد ، کاری است دشوار و خاتمی گویی مسؤولیت داشت که در چهارچوب نظام پیچیدهٔ سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی، زورق امید جوانان ایران را به ساحل مقصود رهنمایی کند . خاتمی در حالی د رایران به قدرت رسیده بود که نظام جمهوری اسلامی در آن کشور به انزوا کشانیده شده بود . انزوای سیاسی ایران در جهان پدیده نامیمونی بود و خاتمی در برابر چنین چالشی دشوار مکلف بود ایران را ازوضعیت آن روزی بیرون بکشد و از جانبی با هوشیاری جامعهٔ مذهبی ایران را که مراکز قدرت را نیز در اختیار داشتند راضی نگهدارد .

ایران، در اثر جنگ های هشت ساله با عراق که داستان غم انگیزی نیز دارد و بسیاری از نیروها و توانایی ها و امکانات اقتصادی و انسانی دو کشور ایران و عراق را زیانمند ساخته بود، ناگزیر بود راه بیرون رفت از عوارض جنگ وسیاست های پشت به غرب دادن سیاستمدارانش را دریابدوآن را بپیماید . انزوای ایران در سالهای آغاز حکومت خاتمی از جهان غرب لطمهٔ شدیدی بر اقتصاد ایران وارد کرد در حالی که ایران در این سالها به کمبود درآمد های ناشی از نفت نیز مواجه بود و این برای کشوری که بیشترینه اقتصادش به نفت وابسته است نکته یی مهم می باشد .

خاتمی با این دشواری های موجود در فراراهش، دورهٔ اول ریاست جمهور ی اش را آغاز کرد و چنانچه کارنامه های دورهٔ اول ریاست جمهوری او مطالعه و موشکافی گردد(که برنامهٔ اقتصادی او با میزان قابل توجهی تطبیق نشد) بزرگ ترین کامیابی ا و، بیرون کشیدن ایران از انزوای سیاسی بود ؛ هرچند ایجاد پیوند و ارتباط سیاسی ایران با امریکا کماکان نامیسر ماند؛ زیرا جو سیاسی در ارتباط به اهرم های قدرت و تصمیم گیری در هردوکشور طوری نبود که این روابط دوباره تأمین گردد .

خاتمی برای مدت هشت سال رهبری اصلاح طلبان را در ایران به عهده گرفت . هرچند برخی از طرفداران او به شعار زده گی مشغول شدند و به گونهٔ افراطی فقط در همین موضع باقی ماندند ولی نقش اصلاح طلبان در روشنگری و تسامح گرایی د رایران در سالهای ا خیر بارز بوده و خاتمی از این رهگذر نیز در میان دولتمردان امروزایران کوی سبقت را ربوده است

خاتمی نمی توانست به تنهایی و جدا از ساختار های سیاسی موجود در درون حاکمیت که اکثر در دست راست گرایان قرار داشت تصمیم بگیرد، زیرا در جمهوری اسلامی ایران حرف نهایی را در مسائل سرنوشت ساز "رهبر" می زند که به عنوان پیشوای مذهبی بر فراز حاکمیت ونظام قراردارد.

خاتمی در پرتو سیاست های بازش توانست سردی روابط دپلماتیک ایران را با تعدادی از کشور های قدرتمند اروپا گرمتر سازد و روابط ایران را با کشور های منطقه بهبود بخشد .

شعار خاتمی در دورهٔ اول ریاست جمهوری اش تقویت وحمایت جامعهٔ مدنی و پایبندی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. جامعهٔ مدنی یی که در ایران به تناسب بسیاری از کشور های منطقه به گونهٔ بارز و روشنی رشد یافته بود . این جامعه در زیر سایه های سیاست های رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران با نوساناتی مواجه بود ازاین روخاتمی با شعار حمایت از جامعهٔ مدنی به قدرت رسید اما به باور بسیاری از کسانی که خود را امروز اصلاح طلبان می خوانند نتوانست در این زمینه به بسیاری از وعده هایش جامهٔ عمل بپوشاند.

هر چند جامعهٔ مدنی در زمان فرمان روایی خاتمی پیش رفت هایی زیاد کرد و فرهنگ گفتگو و تحمل مخالف بسیار رایج شد و اهل سنت که به عنوان مذهب غیر رسمی ایران از آزادی چندان زیاد برخوردار نبودند در عهد خاتمی مجال خیلی خوب برای فعالیت و حضور علمی و فرهنگی پیدا کردند.



خاتمی در سال ۱۳۷۷ انتخابات برای شورا های شهرها و روستاهای ایران را به راه انداخت. این یکی از موارد بسیار مهم و با ارزش کار های خاتمی در راستای تطبیق قانون اساسی ایران بود که به اجرا در آورده شد تا نظام جمهوری اسلامی را قانونمند تر سازد . خاتمی با این پیروزی یکی از پایه های مهم و اساسی جامعهٔ دموکراتیک را در جمهوری اسلامی ایران بنا نهاد.

خاتمی در دورهٔ اول ریاست جمهوری اش کارنامهٔ اقتصادی پر رونقی نداشت و لی دور دوم ریاست جمهور ی اورا دوران خوبی از لحاظ رشد اقتصادی ایران می دانند، چه ایران در این سالها به افزایش در آمد های نفتی و منابع تازه کشف شدهٔ نفت و گاز دست یافت.

اقتصاد متمرکز در ایران در دست دولت بوده وخاتمی با وجود تلاش هایش نتوانست جامعهٔ اقتصادی ایران را دراین راستا سهمی بدهد و از این روی برنامهٔ خصوصی سازی او ناکام باقی ماند و از رشد سریع برخوردار نگردید.

سالهای ریاست جمهوری خاتمی درایران از رهگذر توسعه ورشد فرهنگی سالهای نسبتا پر رونقی بود و ایران از این ناحیه در میان بسیاری از کشور های منطقه برتری خودرا حفظ کرده است.

نکتهٔ مهمی که باید گفت این است که روند سیر اوضاع درجهان چنان است که عملکرد های مثبت وبرجستهٔ زعمای مسلمان پوشیده بماند و از همین جهت نیز است که ضعف وکاستی های شان بسیار زود برملا می شود و در مورد خاتمی نیز چنین شده است.

مطبوعات جهان غرب از عملکردهای رهبران ایران در مورد تأسیسات هسته یی ایران که به سخن ایران به مقاصد تأمین انرژی برق راه اندازی شده است همه روزه یاد می کنند و طوری که همه می دانند این روزها تلاشهای پیگیری از سوی قدرت ها در جریان است تا ایران را زیر فشار قراردهند که از این برنامه هایش منصرف شود. خاتمی تا روز پایان کار رسمی اش به عنوان رئیس جمهوری ایران پیوسته کوشید تا ایران را از این مزیت محروم نسازد.

اسرائیل به عنوان کشوری غاصب که فلسطین را اشغال کرد ، صحرای سینا را اشغال کرد(و بعداً در نتیجه پیمان صلح با مصر دوباره آن را به مصر مسترد کرد) و ارتفاعات جولان را هنوز دراختیار خود دارد و بخشهای وسیعی از لبنان را سا لهای درازی دراشغال خود داشت و... از این پیگرد در امان مانده است در حالی که این کشور کوچک به عنوان ستون پنجم و آلهٔ فشار برگردهٔ مسلمانان، در منطقه دارای سلاح های هسته یی است و سالانه میلیارد ها دلار کمک و تسلیحات مدرن و عصری نیز از سوی کشور های بزرک اقتصادی جهان دریافت می دارد.

خاتمی برای مدت هشت سال رهبری اصلاح طلبان را در ایران به عهده گرفت . هرچند برخی از طرفداران او به شعار زده گی مشغول شدند و به گونهٔ افراطی فقط در همین موضع باقی ماندند ولی نقش اصلاح طلبان در روشنگری و تسامح گرایی د رایران در سالهای ا خیر بارز بوده و خاتمی از این رهگذر نیز در میان دولتمردان امروزایران کوی سبقت را ربوده است .

طرح گفتگوی تمدنها از سوی خاتمی ، تا مدتهای درازی تیتر اول نشریه های معتبردنیا بود. این طرح (خاتمی به همین نام کتابی نیز نگاشته است) چهرهٔ اندیشمند و اصلاح گرایانهٔ خاتمی را درجهان تبارز داد و اکنون در جهان اورا به عنوان مردی متفکر و اندیشمند و سیاستمداری اصلاح طلب در جامعهٔ ایران می شناسند .

هیچ رئیس جمهوری در مدت زمامداری اش صد در صد موفق نبوده است و خاتمی نیز از این قاعده مستثنا نشد و چنانچه سیستم پیچیدهٔ ارگانهای قدرت و سیاست در ایران تحلیل وتجزیه گردد آنگاه به آقای خاتمی باید آفرین گفت که توانست چنان گام هایی بلند را در جهت اصلاح طلبی بردارد.

حالا دیده شود که جانشین راست گرای او در جامعهٔ ایران که به گونهٔ غیر پیش بینی شده یی نیز عروج کرده است در قبال این مسائل چگونه برخورد می کند . آیا او می تواند جامعهٔ ایران را از میان این همه چالش ها به ساحل پر امن و مقصود رهنمون شود ؟

همان گونه که کارنامه های هر انسانی سر انجام بسته می شود ، کارنامهٔ خاتمی نیز به عنوان رئیس جمهور بسته شد و لی شایسته است که ملت ایران به او "سردار اصلاحات" لقب داده است.

اکنون که خاتمی رفت و بر کرسی او آقای احمدی نژاد از جناح راست مخالف بسیاری از برنامه های اصلاح طلبان نشسته است، برخی از تحلیل گران به این باورند که همه پرونده های اصلاح طلبانهٔ آقای خاتمی با رفتن او و آمدن احمدی نژاد بسته خواهد شد، اما برخی دیگر از صاحب نظران عقیده دارند که روند اصلاحات شاید به گونه یی دیگر در دولت آقای احمدی نژاد هم ادامه خواهد یافت و این را نوعی از خواسته های بنیادین نظام جمهوری اسلامی می دانند که با آمدن و رفتن کسانی با گرایش های تند و نرم، شتاب وکندی می گیرد اما متوقف نمی شود.

یکی از مطالب قابل بحث در پارلمان ...

☐ پارلمان آینده در پهلوی دولت قرار خواهد داشت یا در برابر آن؟

■ فکر می کنم که این امر زیاد مربوط به تصرفات دولت خواهد بود اگر دولت کارهای خویش را مطابق قانون اساسی و قوانین نافذهٔ کشور عیار سازد پارلمان در پهلوی دولت قرار خواهد داشت در غیر آن در برابر آن؛ زیرا پارلمان مکلفیت دارد که عملکرد دولت را در پرتو قوانین نظارت نموده و هر نوع تخلف را برملا نماید و سر انجام از تطبیق قانون حراست و حمایت کند.

☐ نظر شما دربارهٔ شفافیت انتخابات پارلمانی چیست؟

■ هر انتخابات باید شفاف، بی شایبه و بدون غش باشد خصوصاً انتخابات پارلمانی. من یقین دارم که انتخابات شفاف خواهد بود؛ زیرا در صورت عدم شفافیت، نمایندگان غیر مورد نظر ملت وارد پارلمان خواهند شد که این کار سبب جدایی ملت از دولت خواهد شد و خطرناک ترین و دشوار ترین حالات را در کشور به میان خواهد آورد.

بدین منظور توصیهٔ من برای دست اندرکاران برگزاری انتخابات این است که در امر شفافیت انتخابات ملت را صد در صد یاری رسانند و آنها را اطمینان دهند.

پیشنهاد استادان پوهنتون های وزارت دفاع ملی به رئیس...

۳- افسران تحصیل کرده را نباید به دی.دی.آر معرفی نمود و میلیون ها افغانی سرمایهٔ ملی ما را به باد فنا سپرد که البته پیامد آن به ناآرامی ها خواهد انجامید.

۴- هیچ کشورجهان عالم، دانشمند و اهل خبرهٔ خویش را چنین تحقیر نمی کند که همین اکنون در وزارت دفاع می کنند.

در یک کلام پروسهٔ دی.دی.آر در مورد پوهنتون های نظامی موجه نبوده و نباید تطبیق شود. امیدواریم که رئیس جمهور در زمینه تصامیمی را اتخاذ نماید که به خیر ملت باشد.

با تقدیم احترام

هیأت رئیسهٔ شورای علمی پوهنتون های نظامی افغانستان

تنی پس از پانزده سال ...

آقای فرمان پرسش هایش را از این جا آغاز کرد که عوامل اختلافات شما با دکتر نجیب چه بود، آیا با او موافق هستید که می گفت تنی از یک قبیله و من از قبیله یی دیگر هستم، او اختلافات شما را با خودش قبیله یی می خواند؟ تنی گفت که اختلافات ما با دکتر نجیب عواملی زیاد داشت ولی همه عوامل سیاسی بوده و به شیوهٔ دولتداری دکتر نجیب مربوط می شد و ریشهٔ قبیله یی نداشت.

در بارهٔ تماس هایش با حکمتیار در دوران کودتایش برضد رژیم وقت گفت: من در پیش از کودتا هیچ گونه تماسی با حکمتیار نداشتم اما وقتی پس از شکست کودتا مجبور شدم به پاکستان بروم با حکمتیار در تماس شدم او همچنان گفت که ما با نجیب بر سر مسائل سیاسی و ادارهٔ کشور اختلاف داشتیم و چنان که می گویند بر سر اقتدار جنگیدیم درست نیست.

دربارهٔ این که تلاش هایی از سوی شوروی ها و مقامات رژیم جهت مصالحهٔ شما با دکتر نجیب انجام شد ولی بی نتیجه ماند، تنی گفت که دلیل اساسی آن این بود که شوروی ها و مقامات دولت وقت از دکتر نجیب طرفداری می کردند.

تنی دلیل ناکامی کودتایش را چنین بیان کرد: شکست ما علت هایی زیاد داشت، حزب دموکراتیک خلق انقلاب ثور را به راه انداخت ولی زمانی که شوروی ها در ۶ جدی سال ۱۳۵۸ آمدند یک گروه را بر گروهی دیگر مسلط کردند، امین را کشتند با شماری دیگر از رفقا، و تعدادی دیگر از آنان را به زندان انداختند، نیروهای مسلح را پراگنده ساختند و چند دستگی را در میان نیروهای مسلح ایجاد کردند. در زمان اقتدار نجیب تنها ۲۰ در صد نیروهای مسلح در اختیار خلقی ها قرار داشت و بقیه ۸۰ در صد در اختیار طرفداران نجیب بود.

پس از پرسش های پی هم آقای فرمان، آقای تنی برخی از موارد اختلافش را با دکتر نجیب الله توضیح داد و گفت که ما می خواستیم نجیب کنگرهٔ حزب را دایر کند و در مسائل حزب و کشور کنگره تصمیم بگیرد با آن که دو سوم اعضای حزب این تقاضا را داشتند نجیب کنگره را دایر نکرد، او زمانی کنگره را دایر کرد و نام حزب دموکراتیک را به حزب وطن تغییر داد که من به پاکستان رفته بودم. تنی در ادامهٔ این توضیحات افزود: من و گلاب زوی وزیر داخله و یعقوبی وزیر امنیت به شوروی رفتیم و با گرباچف دیدیم و به وی پیشنهاد کردیم که یا باید مصالحهٔ ملی را به صورت درست و واقعی پیش بگیریم و یا از اقتدار حزب دفاع کنیم. گرباچف گفت نه، باید مصالحهٔ ملی مورد تأکید قرار گیرد، ولی نجیب آماده نبود که مصالحهٔ ملی را به گونهٔ درست مورد تطبیق قرار بدهد، او با مخالفانش حاضر بود مصالحه کند اما حاضر نبود با ما و رفقای خلقی مصالحه کند.

تنی دربارهٔ وضعیت کنونی ونظام حاضر گفت که بر اساس موافقت نامهٔ بن یک سری تحولات خوب و نیک به وجود آمده است. ما از ابتدا از این وضع حمایت کرده ایم، در انتخابات ریاست جمهوری به آقای کرزی رأی دادیم و در انتخابات پارلمانی کنونی نیز سهم فعال خواهیم گرفت، ما چند نفر از اعضای نهضت ملی صلح را برای احراز سمت نمایندگی در پارلمان کاندیدا داده ایم.

او دربارهٔ این که اندیشه ها و جهان بینی حزب نهضت ملی صلح همان جهان بینی و اندیشهٔ حزب دموکراتیک خلق است یا نه؟ گفت که حزب او به اندیشه های اسلامی و ملی تکیه دارد ولی به صراحت از بازگشتش از اندیشه های حزب دموکراتیک خلق و فلسفهٔ آن چیزی نگفت.

در مورد گزارش اخیر سازمان دیدبان حقوق بشر که شماری را در جنگ های سه دههٔ افغانستان مقصر شمرده است از جمله برخی از اعضای حزب دموکراتیک خلق را که بر این اساس برخی از آنان در شماری از کشورها توقیف گردیده و تحت محاکمه قرار گرفته اند، تنی گفت که باید در این باره عدالت رعایت شود وباید توجه داشت که بعضی از کشورهای خارجی هم در این جنگ ها سهم داشتند. بهتر است در این موارد از گذشت و عفو کار گرفته شود و با پرسشگر موافقت کرد که "تیر په هیر" گذارده شود.

تنی دربارهٔ زندگی شخصی اش در پاکستان گفت که او یک زندگی بسیار ساده داشته است، نه موتر داشته و نه هم بایسکل، بلکه پیاده می رفته و در یک خانهٔ عادی زندگی می کرده است.

این که گفته می شد او در حمایت پاکستان از زندگی خوبی بهره مند بوده است گویا رد کرد و همکاری پاکستان را با خودش و رفقایش همکاری های انسانی خواند و از آن تشکر کرد.

دربارهٔ مداخلات پاکستان در امور افغانستان وقتی از او پرسیده شد و آقای فرمان با بسیار اصرار و الحاح می خواست تأییدش را به گونه یی بگیرد موفق نشد، او در پاسخ گفت به دلیل نداشتن وظیفهٔ دولتی دلائل و اسنادی برای مداخلات پاکستان در اختیار ندارد و بر اساس موافقت نامهٔ بن پاکستان با دولت افغانستان و نیروهای ائتلاف بین المللی همکاری کرده است.

در برابر پرسشی که اگر منافع پاکستان و افغانستان در تعارض واقع شود کدام را یک را ترجیح خواهد داد؟ گفت: منافع افغانستان را، گویا پرسشگر در برابر پاسخ های پیشین آقای تنی به ستوه آمده بود با طرح این سؤال قاطع خواست آقای تنی را در تنگنا قرار بدهد.

او همچنان خواست که احزاب سیاسی و دولت با همکاری نیروهای ائتلاف تلاش کنند مشکلات افغانستان را با استفاده از شرایط کنونی حل کنند.

مصطفی شهری

سلامی به جواب مشتی ...

تحریف و بهتان

نویسندهٔ انیس برای تقویت دلیل خویش به تحریف سخن من پرداخته است تا ضعف برهان خویش را با بهتان به من قوت بخشد. این کار با هیچ اصل از اصول ژورنالیزم همخوانی ندارد. انیس از قول من نوشته است که "همکاری تمدن ها را نباید از مقولهٔ گفتگوی تمدن ها به شمار آورد" چنین جمله یی در هیچ بخش از نوشتهٔ من وجود نداشته و دروغ آشکاری است که نویسندهٔ انیس با وقاحت بر من بسته است.

نماد های بی اتکا

اما سخن من در باب سخنرانی آقای کرزی که در حضور جمعی از محققان انگلیسی در لندن ایراد کرد این بود: ... اگر چنین خطابه یی خطاب به کارگرانی که این جاده را ساخته اند ایراد می شد تا قدردانی از یاری آنان در کار باشد، تا جایی ممکن بود صواب تلقی شود چون این کار بازده همکاری کسانی است که به فرهنگ ها و تمدن های گوناگون تعلق دارند اما وقتی این سخنان به جمعی از اهل تحقیق و صاحب نظر در مسائل روابط بین المللی ایراد می شود به گونه یی مطرح شود که سزاوار آن مقام باشد. مراد هاتینگتون از جنگ تمدن ها چنان که آقای کرزی گفته است جنگ ادیان است که تضاد درونی آنها در واکنش های پیروان آنها بازتاب پیدا می کند. در این جا برای رد این تئوری، عناصر جوهری وحدت زا و اتفاق آور ادیان باید مورد بحث قرار گیرد و نه نماد های بی اتکا به این جوهر ها.

نظریهٔ بی بنیاد

مسأله بسیار عمیق تر وریشه دار تر از تصور نویسندهٔ انیس است. پس باید این نظریه را بهتر شناخت:

تمدن عبارت از یک" هویت فرهنگی است که توسط عناصر عینی مانند زبان، مذهب، تاریخ، سنن و مؤسسات و تشکیلات و توسط یک عنصر ذهنی که عبارت از خود هویتی افراد است تعریف می گردد.

یک تمدن می تواند چندین دولت- ملت را دربر گیرد و یا یک دولت- ملت واحد را مانند ژاپن. همچنان یک تمدن می تواند چندین تمدن کوچک را در خود داشته باشد مانند تمدن غربی با تمدن های کوچک اروپایی، اروپای شرقی و امریکای شمالی اش. یا تمدن اسلامی با عرب ها، ترکها و مالزی ها وغیره.

هاتینگتون هشت نوع تمدن مختلف را نشاندهی می نماید: تمدن غربی، تمدن کنفسیوسی، تمدن ژاپنی، تمدن اسلامی، تمدن هندویی، تمدن اسلاو ارتدوکس، تمدن امریکای لاتین، و بالاخر تمدن افریقایی.

تفاوت میان تمدن ها نه تنها یک واقعیت عینی است بلکه خیلی ها عمیق و ریشه دار نیز است. این تفاوت ها و این تمدن های مختلف ثمرهٔ قرنها تاریخ بشری بوده و به زودی از بین رفتنی نیستند.

در تصادم ها و درگیری های ایدئولوژیک سؤال این بود که "تو مربوط کدام جناح هستی؟" بنابراین مردم می توانستند طرف و جناح خود را مشخص نمایند یا بعداً آن را تغییر نیز بدهند ولی در تصادم و درگیری تمدن ها سؤال این است: " تو کی هستی؟" در این جا دیگر تبدیل نمودن جناح نا ممکن است.

به نظر هاتینگتون، محور مرکزی سیاست جهانی در آینده به احتمال قوی درگیری بین جهان غرب از یکسو و بقیهٔ جهان از جانب دیگر و جوابها و الترناتیف هایی که جهان به ارزش های غربی ارائه خواهد نمود می باشد.

گفتگوی تمدن ها

در مقابل این نظریه، آنچه که به نام گفتگوی تمدن ها مطرح شد تأکیدی بود روی عناصر مشترک میان همه تمدن های بشری و برجسته ساختن این اصل که باید انسانهای همه حوزه های تمدنی از راه گفتگو و تفاهم، اختلاف نظر ها را در حد امکان از میان بردارند.

افراد بشر قطع نظر از این که به کدام حوزهٔ تمدنی تعلق دارند باید به اصول همدیگر احترام بگذارند و اصل همزیستی مسالمت آمیز را در تمام عرصه ها رعایت نمایند. به هیچ عنوان نباید نفی هویت تمدنی دیگران از راه سلطه، ضابطهٔ الزامی روابط و همکاری در سطح جهانی باشد. زیرا اگر چنین شود، دنیا را تروریسم و جنگ به آشوبی بزرگ خواهد

به نظر هاتینگتون، محور مرکزی سیاست جهانی در آینده به احتمال قوی درگیری بین جهان غرب از یکسو و بقیهٔ جهان از جانب دیگر و جوابها و الترناتیف هایی که جهان به ارزش های غربی ارائه خواهد نمود می باشد

کشاند.

همکاری های استراتژیک و اقتصادی همکاری تمدن ها نیست

سخن فوق در رد نظر هاتینگتون است. هاتینگتون معتقد است که بین جهان کنفسیوسی و اسلامی نوعی اتصال نظامی وجود دارد. این اتصال جهت دستیابی به تکنولوژی نظامی برقرار گردیده و هدف نهایی از آن برقراری نوعی از تعادل در برابر قوای غربی است. در همین راستاست که چین از نقطهٔ نظر نظامی عراق، لیبیا، الجزایر و ایران را کمک می کند و کوریای شمالی نیز به نوبهٔ خود در این ساحه با ایران و سوریه همکاری می کند.

اما منتقدان این نظریه از جمله (پیر هسنر) این دلیل را سست و بی بنیاد می دانند و به این نظرند که چنین رابطه یی میان جهان غرب و بعضی از کشور های اسلامی نیز وجود دارد مثلاً کشور های اروپایی بزرگ ترین فروشندگان اسلحه به شرق میانه اند. در این جا پای منافع اقتصادی و یا استراتژیک در میان است؛ زیرا صنعت اسلحه سازی در غرب برای

صنعت اسلحه سازی در غرب برای زنده ماندن نیاز به بازار فروش دارد و شرکت های نفتی غرب نیز در شرق میانه سرمایه گذاری می کنند. بنا براین عوامل اصلی صرفا عوامل صنعتی، تجارتی یا استراتژیک هست و چنین معاملات به هیچ صورتی به نام درگیری و یا همکاری تمدن ها صورت نمی پذیرد

زنده ماندن نیاز به بازار فروش دارد و شرکت های نفتی غرب نیز در شرق میانه سرمایه گذاری می کنند. بنا براین عوامل اصلی صرفا عوامل صنعتی، تجارتی یا استراتژیک هست و چنین معاملات به هیچ صورتی به نام درگیری و یا همکاری تمدن ها صورت نمی پذیرد.

در طول تاریخ روابط اقتصادی و همکاری های استراتژیک میان کشور های واقع در حوزه های تمدنی مختلف موجود بوده است و امروز نیز چنین است. چه فرقی به میان آمده که باید امروز این روابط را به تمدن ها رابطه بدهیم در حالی که در گذشته چنین نبود؟ حرف من این است که اصلاً پای تمدن ها را به عرصهٔ همکاری های اقتصادی و استراتژیک کشیدن سخنی بی ربط است.

اما گفتگوی تمدن ها بحثی دیگر است و همان گونه که به آن به اجمال اشاره شد می تواند به کاهش فاصله های ناشی از عدم تفاهم و شناخت از همدیگر میان پیروان ادیان و فرهنگ های مختلف کمک نماید و فرهنگ تسامح و همزیستی را در جهان ممد و مددگار گردد.

و اما مشکل نویسندهٔ انیس

نویسندهٔ انیس نظریهٔ گفتگوی تمدن ها را که از جانب خاتمی رئیس جمهور سابق ایران مطرح شد رد می کند و می نویسد که او با این تبلیغ خواست تا جامعهٔ جهانی را بفریبد. این نوشتهٔ هذیان آلود مشحون از چنین سخنان بی ربط و بی بنیاد است که صاحب این قلم نمی خواهد با نقل هرکدام، مقام پرارج قلم را در حد شخصیت آن عزیز به ذلت بکشد.

اما در آن مقال مشخص نیست که نویسندهٔ انیس با جملات بی سر وته می خواهد از نظریهٔ جنگ تمدن ها دفاع کند و یا آن را رد نماید؟ به نظر می رسد که وی مخالف این تئوری است اما به دلیل این که از این نظریه جز نام چیزی نشنیده و نخوانده است، حاصل کار او تأیید نظر هانتنگتون است که در نظریهٔ خویش همکاری های اقتصادی و استراتژیک را به عنوان همکاری میان تمدن ها عنوان می کند و به غرب توصیه می نماید که باید با آن به مقابله برخیزد.

توصیهٔ من به نویسندهٔ انیس این است که قبل از پرداختن به معقولات، کمی رنج مطالعه را برخویش هموار سازند تا لااقل بدانند که از چه مطلبی به دفاع برمی خیزند و چه موضوعی را رد می کنند و جای هرواژه را بشناسند تا مقام والای نویسندگی را به ابتذال نکشند. به گونهٔ مثال: نویسندهٔ انیس در بخشی از نوشتهٔ خویش خطاب به من طالبانی اندیش چنین می نویسد:

(... در نقد تان چنین وانمود کرده اید که گویا حکومت افغانستان پروژهٔ سرک کابل قندهار را به مزایده گذاشته و شرکت های امریکایی، ژاپنی و سعودی مشترکاً این پروژه را به دست آورده اند.)

عزیز جان! من در هیچ جا از نوشتهٔ خویش به مزایده اشاره نکرده ام و اگر اشاره هم می کردم، با بهره گیری از اندیشهٔ طالبانی! نه مزایده بلکه مناقصه می نوشتم. برای مزید معلومات آن عزیز باید گفت که وقتی مرجعی قصد فروش جنس ویا خدمتی را داشته باشد اعلان مزایده می نماید یعنی هرکه پول مزید بپردازد برندهٔ معامله است. اما اگر قصد خرید جنس یا خدمتی در میان باشد در آن صورت مناقصه صورت می گیرد یعنی هرکه به پول کمتر قرارداد نماید، برندهٔ معامله شناخته می شود. قرار داد های ساختمانی را هم دولت باید به مناقصه بگذارد نه مزایده! مگر این که دولتمردان از قماش جناب عالی باشند!

عزیزجان! تو که فرق میان مزایده و مناقصه را نمی دانی ولی با وجود این به خود جرأت می دهی که سخن دیگران را نقد کنی خودت انصاف بده که جایت در کجاست؟! بیچاره انیس که تختهٔ مشق چه مبتذل نگاری ها شده است!

در جواب فحش و دشنام های شما به فرمان قرآن عمل می کنم و می گویم:

السلام علیکم!

رویکرد ها

ایدئولوژی شیطانی - عبدالکریم سروش چاپ تهران

قدرت های بزرگ در تلاش بی قدرتی - پاسکال بونیفاس ترجمهٔ عبدالکریم خرم چاپ پیشاور

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۲۰ چهارشنبه ۱۹ اسد ۱۳۸۴ ۵ رجب المرجب ۱۴۲۶ – 10 August 2005

سلامی به جواب مشتی دشنام!

وحید مژده

از خدا خواهیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از لطف رب

در کشور ما کار نقد نظریات مخالف با اسلوب علمی ورعایت موازین ادب بر طبق فرمودهٔ قرآنی (و جادلهم بالتی هی أحسن) کمتر معمول است. تنگ مایگان برای کوبیدن نظر مخالف، بهترین راه را در این یافته اند تا به جای این که نظریهٔ طرف را با دلایل علمی به نقد گیرند، به شخصیت طرف مقابل می تازند تا او را وادار سازند که به جای دفاع از نظر خود به دفاع از شخص خود بپردازد.

دکتر سروش این شیوه از تاختن را به عنوان ایدئولوژی شیطانی به نقد می گیرد که (...به تیره کردن آبهای قضاوت و بستن راه های نقد و داوری کمک کرده است و سخن گویان را به پرسش هایی مواجه می کند که با روح علم و گوهر تفکر آزاد بیگانه است. همین که لب به سخن می گشایی از تو می پرسند که موضعت کدام است؟ نام حزبت چیست؟ طرفدار کدام دسته یی؟ و آنگاه بدون این که منتظر پاسخ بمانند، خود پاسخ سؤالات را از نزد خود می دهند و مهر و برچسب لازم را که آماده در انبان دارند بر پیشانی ات و بر سخنت می چسپانند و دلشاد از داوری خود و سرشار از غرور و سرور با اطمینان کامل از این که هم خودت را و هم سخنت را خوب شناخته اند و خوب خلع سلاحت کرده اند، تورا ترک می گویند...)

اگر اعتراض کنی(... از ورای نقاب دگماتیسم فریاد می زنند که چشمان ما با این کج بینی عادت کرده است و شیطان ذهن ما این شیوهٔ اختلاط نامیمون را خوشتر می دارد و کار ما با این شیوه روان تر پیش می رود.)

صاحب این قلم را ترجیح براین است تا به جواب راقم الحروف انیس که شیوهٔ رقم مغلطه بر دفتر دانش کشیدن را برگزیده است مقابلهٔ به مثل نکنم، سر حق بر ورق شعبده ملحق ننمایم و شیوهٔ (جادلهم بالتی هی أحسن) را برگزینم که شیوهٔ محمود اهل نقد و اعتراض نیز همین است.

ادعای مغالطه میان جنگ و گفتگو

عنوان دشنام نامه یی که علیه نوشتهٔ من در شمارهٔ شانزدهم اسد انیس به نشر رسیده چنین است: آقای مژده طالبانی فکر نکنید! اما از آغاز تا انجام این مقال، مقایسه یی بین آنچه من نوشته بودم با نظریات طالبان مطرح نیست.

نویسندهٔ انیس با استناد به نوشتهٔ من (جنگ تمدن ها وشاهراه کابل قندهار) که در شمارهٔ پنجم اسد هفته نامهٔ مجاهد به نشر رسید می نویسد که آقای مژده بعداز این که معلومات مختصری در مورد تیوری جنگ تمدن ها ارائه می دارد از نظریهٔ گفتگوی تمدن ها یاد می کند که رئیس جمهور پیشین ایران آن را در مقابل تیوری جنگ تمدن ها مطرح نموده و به گفتهٔ وی به سطح جهانی از آن استقبال به عمل آمده است.

با یک نگرش ساده به مطلب فوق در انیس می توان دریافت که من در نوشتهٔ خویش به تقابل میان نظریهٔ جنگ تمدن ها و گفتگوی تمدن ها اشاره کرده ام و مرز میان این دو را نیک شناخته ام. پس در این مورد مغالطه یی در میان نیست اما نویسندهٔ انیس در جای دیگری سخن قبلی را فراموش می کند و می نویسد:

ولی به آقای مژده باید بگوییم که نقد تان یگانه چیزی را که ثابت می سازد این است که شما مفاهیمی چون جنگ تمدن ها و گفتگوی تمدن ها را به مغالطه گرفته اید و این ناشی از این است که در کار های تان هیچ گونه دقتی به خرج نمی دهید ورنه مرتکب چنین دید سطحی و ساده نمی شدید. نویسندهٔ انیس به هیچ مورد از این مغالطه اشاره یی ندارد. در مورد این که چه کسی مرتکب دید سطحی و ساده شده است من قضاوت را به خوانندگان نکته سنج می گذارم.

ص۷

از نامه های آمده

پیشنهاد استادان پوهنتون های وزارت دفاع ملی به رئیس جمهور و جامعهٔ جهانی

به مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان و جامعهٔ بین المللی

محترماً: موقعیت استراتژیک این سرزمین نشان دهندهٔ آن است که بدون داشتن اردوی منظم و قوی میهن ما دست خوش حوادث خواهد بود. بروز نا به سامانی های چند دههٔ اخیر مبین این واقعیت است. با در نظر داشت این مسائل به چند اصل تأکید می نماییم:

اول: مبتنی بر این واقعیت است که اردو بدون موجودیت نهادهای علمی و تحصیلی که افسران متخصص و فنی را آموزش دهد نمی تواند استحکام یابد. روی همین ملحوظ ۱۳۵ سال قبل اساس مراکز علمی و تحصیلی نظامی گذاشته شد و نظر به ضرورت اردو و رشد روز افزون علم و تکنیک این نهادها به حربی پوهنتون، پوهنتون هوایی و مدافع هوایی و اکادمی تکنیک و کورس عالی افسران ارتقا نمود اما متأسفانه در این اواخر حربی پوهنتون و مدافع هوایی لغو شده است.

در حالی که موجودیت اردو بدون قوای هوایی و پوهنتون هوایی از ارزشی برخوردار نبوده و لغو این پوهنتون بزرگترین اشتباه تاریخی است.

اکادمی تکنیک بنا بر ضرورت و ترمیم وسایط زرهدار و توپچی ایجاد شده و امتحان خوبی را در طی ۴۰ سال موجودیت خویش داده است.

کورس عالی افسران به حیث یک نهاد علمی در ارتقای سطح آگاهی مسلکی افسران که از حربی پوهنتون و اکادمی تکنیک فارغ می شدند به سویهٔ فوق لیسانس نقش عمده را ایفا کرده و بهترین فرماندهان از آن جا فارغ شده اند.

آنچه که امروز به نام اکادمی نظامی ایجاد شده با درک مفهوم علمی آن باید فارغان پوهنتون های نظامی را به سویهٔ ماستر و ارکان حرب تربیه نماید.

دوم: تجربه این واقعیت را برملا می سازد که افسران تحصیل کرده و متخصص بهترین نیروی فعال در اجرای وظایف محاربه یی محسوب می گردند. تاریخ نشان می دهد که این افسران تا پای جان در دفاع از وطن ایستادگی کرده و می کنند. تجربهٔ ۳ سال گذشته نشان می دهد که از اردوی نو بنیاد وبی تجربه نمی توان کاری مثبت به دست آورد.

افسران مسلکی و متخصص سرمایهٔ ملی کشورند و نباید آنان را تحقیر کرد و همین سرمایهٔ بزرگ را به رایگان از دست داد.

سوم: شایسته سالاری در وزارت دفاع ملی جای ندارد. فقط روابط است که بر ضوابط سایه افگنده است و امور وزارت را به مشکل مواجه ساخته است و زیر نام سن و سال و... افسران با تجربه و دانشمند از صفوف اردو کشیده می شوند و به عوض آنان افراد بی تجربه و کم سواد جذب می گردند.

چهارم: در وزارت دفاع ملی نام و نشانی از قانونیت وجود ندارد، این وزارت به قانون ذاتی افسران و قانون حقوق و امتیازات اعضای کادر علمی ارزش قایل نیست و استادانی که به جز قلم چیز دیگر به دست ندارند با پروسهٔ دی.دی.آر معرفی می شوند.

از دیدگاه ما جامعهٔ جهانی جهت کمک به مردم افغانستان در این کشور پا گذاشته است. اگر واقعیت چنین باشد باید اردوی افغانستان را که حافظ هویت ملی کشور است تقویه کنند و تقویهٔ اردو از طریق پوهنتون های نظامی ممکن است وبس.

تعیین سن برای پذیرش افراد در اردوی ملی یک اصطلاح نامناسب بوده و صرف سبب دور ساختن افسران با تجربه از اردو می گردد که چنین عملکردی را ما اشتباه می خوانیم و جهت رفع این نقیصه پیشنهاد می نماییم:

۱- پوهنتون های نظامی که مهد آموزش افسران محسوب می گردند باید رشد و توسعه داده شوند.

۲- استادان این مؤسسات عوض این که به دی.دی.آر معرفی شوند مطابق قانون حقوق و امتیازات اعضای کادر علمی از نزدشان استحصال وظیفه صورت گیرد تا از پدیدهٔ منفی فرار مغزها جلوگیری به عمل آید و اردو در آینده به کمبود کادرهای علمی مواجه نگردد.

ص۶

مولانا فضل الرحمن:

پاکستان دي له دوه مخي پالیسي څخه لاس په سرشي

دخبري رسنیو له خولي د پاکستان د مجلس عمل د اسلامی ډلي مشر مولانا فضل الرحمن د پرویز مشرف پر دوه مخیزي پالیسي نیوکه کړي او ویلي دي چي حکومت له یوي خوا له امریکا سره د تروریزم خلاف جګړه کي د مرستي ژمنه کوي او له بل پلوه د پاکستان د قبایلي سیمو له لارې افغانستان ته وسله وال جنګیالي استوي نوموړي په پرویز مشرف تورو لګاوه چي دي نه یوازي افغانستان ته جنګیالي ورلېږي بلکي مانسره کي ئي د دوي د پوځي روزني په موخه یو پوځي کمپ هم پرانیستئ دئ.

د یادوني وړ ده څو ورځي مخکي یوه پوځي جنرال د صفدر حسین په نامه په مذهبي ډلو تور ولګاوه چي د افغانستان د پارلماني انتخاباتو د ګډوډولو په مقصد خیني مذهبي ډلي دغه هیواد ته طالب جنګیالان استوي.

دفتر مشترک تنظیم انتخابات پارلمانی

مصارف کمپاین تبلیغاتی کاندیداها را اعلام کرد

دفتر مشترک تنظیم انتخابات به تاریخ ۱۳ اسد، اندازهٔ مصرف کمپاین تبلیغاتی برای کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی را اعلام کرد.

آقای سلطان احمد بهین سخنگوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات گفت: کاندیداهای ولسی جرگه مبلغ ۷۵۰۰۰۰ افغانی و کاندیداهای شورای ولایتی نصف این مبلغ را از پول شخصی خود در کمپاین تبلیغاتی می توانند مصرف کنند.

وی گفت که بر اساس دستور العمل مالی کمپاین انتخاباتی، کاندیداهای مکلفند تا تاریخ ۸ عقرب گزارش مالی خود را ارائه نمایند.

زمان مبارزهٔ انتخاباتی، سی روز تعیین گردیده است که از ۲۶ اسد آغاز و ۴۸ ساعت قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی پایان می یابد.

بر اساس دستورالعمل دفتر مشترک تنظیم انتخابات افرادی که کارت رأی دهی داشته باشند می توانند به کاندیدای مورد نظر شان مساعدت نقدی نمایند.

ص۲

زندانیان گوانتانامو به افغانستان انتقال می یابند

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری افغانستان هفتهٔ گذشته اعلام کرد که افغانستان و امریکا موافقه کرده اند که زندانیان افغانستانی به صورت تدریجی به کشور باز گردانده شوند و تحت نظارت دولت قرار گیرند.

بر اساس این موافقتنامه دولت افغانستان، مسؤولیت بازگشت این زندانیان را به عهده گرفته است و تلاش خواهد کرد که تهدیدی علیه امنیت کشور نباشند.

گفته می شود انتقال این زندانیان به افغانستان برمبنای موافقتنامهٔ همکاری استراتژیک میان افغانستان و امریکا که در جریان سفر آقای حامد کرزی به امریکا در ماه گذشته به امضا رسید، انجام می یابد.

طالبان تنها در گوانتانامو در اسارت امریکایی ها نیستند، بلکه در کنرها و بگرام نیز تعدادی از اسیران طالب در زندان های امریکایی به سر می برند. به نظر تعدادی از تحلیل گران اوضاع افغانستان واگذاری زندانیان گوانتانامو به دولت افغانستان یک موفقیت برای این کشور است اما در پشت این موفقیت مسؤولیت بزرگی نهفته است که این افراد پس از بازگشت تهدیدی برای امنیت داخلی و نیروهای ائتلاف و جامعهٔ جهانی نباشند؛ زیرا در آن صورت دولت با چالش های جدیدی مواجه خواهد شد.